



MfJ

مجله فقه پزشکی

دوره سیزدهم، شماره چهل و سوم، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/mf>



مقاله پژوهشی

واکاوی گستره اباحه مهندسی ژنتیک انسانی (پزشکی و غیر پزشکی) از منظر فقه امامیه

ماشاله کریمی*^۱، عبدالصمد علی آبادی^۲

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آیت اله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

۲. استادیار فقه و حقوق دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پدیده زیست فناوری ژنتیک انسانی که با هدف دفع شر و بدی انسان، ساختن جامعه مطلوب و دستیابی به پیشرفت‌های مهم دانش و معرفت بشری انجام می‌پذیرد، در گزاره‌های ابتدایی فقهی فاقد ممنوعیت است. اما گستره آن به جهت تنیدگی این دانش بشری با اخلاق و شئونات انسانی، به دلیل انجام نیافتن پژوهشی یکپارچه، چندان روشن نمی‌باشد. از این رو پرسش از گستره جواز استفاده این دانش بشری، موضوعی است که نیازمند کاوش تا مرحله حصول پاسخی شایسته می‌باشد. پژوهش حاضر بر آن است تا گستره مجاز مهندسی ژنوم انسانی را مورد شناسایی و بررسی قرار دهد.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای اعم از حقیقی و مجازی به نگارش در آمده است. به این ترتیب که نخست دیدگاه‌های پیرامون پذیرش و عدم پذیرش انجام مهندسی ژنتیک، به منزله یکی از مسائل مستحدثه و عناوین ثانویه فقه پویای اسلامی طرح و سپس به روش تحلیلی امکان پذیرش دیدگاه انجام آن در پرتو ادله فقهی و عقلی بررسی و با مذاقه در ادله یادشده و بر پایه آن‌ها، گستره پذیرش جواز این دانش بشری مورد سنجش قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: فقها و اندیشمندان دینی نسبت به پدیده زیست فناوری ژنتیک انسانی، رویکرد یکسانی ندارند. اما از تحلیل و بررسی مستندات آنان در چارچوب ادله فقهی و عقلی، چنین برمی‌آید که دلایل پیروان اباحه این دانش بشری، استوارتر است. مشروط به این که انجام آن، افزون بر نزدیک نشدن به مرزهای فقهی و عقلایی اتلاف، اضرار، تنقیص و ...، تنها در گستره بهره‌وری و تسخیر پدیده‌های هستی رخ دهد و به منزله ابزارهای نقش‌آفرین جریان خلقت برای ایجاد رفاه اجتماعی و راحتی زندگی بشر و رها کردن آفریدگان الهی از تنگناهای موجود در مسیر حرکت تکاملی باشد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

واژگان کلیدی:

انسان

ژنتیک

ژنتیک انسانی

امامیه

* نویسنده مسؤول: ماشاله کریمی

آدرس پستی: بروجرد، بلوار شهرداری، کوچه نیکان، کوچه شهید حسینی، پلاک ۲۲.

پست الکترونیک:

karimi_b2003@yahoo.com

۱. مقدمه

یکی از موضوعات چالشی و مهم دانش ژنتیک که در سالیان اخیر، افزون بر دستاوردها و پیشرفت‌های گوناگون، با چالش‌های متعدد فقهی و اخلاقی روبه‌رو شده است، پدیده زیست فناوری ژنتیک انسانی می‌باشد. به گونه‌ای که از دیدگاه مخالفین (۱-۱۱)، به طور کلی انجام این پدیده چه در عرصه پزشکی و چه غیر پزشکی - حتی در مواردی که با اهداف دستیابی به انسان‌های برخوردار از ویژگی‌های چشمگیر پسندیده جسمی و عقلی و از آن فراتر کاستن و به کمینه رساندن شمار رفتارهای ناهنجار و بزه‌کارانه، از سطح زندگی اجتماعی باشد - به دلایل زیر منع شده است.

۱. حرمت مطلق اعمال دگرگونی در جسم یا صفات مخلوقات الهی و یا حرمت اعمال تغییرات در ساختار زیستی افراد، به استناد آیه ۱۱۹ سوره نساء مبنی بر منع از تغییر در مخلوقات الهی.

۲. حرمت پیروی از دستورات شیطان برای ایجاد دگرگونی در خلقت الهی که به دوری از خداوند و در نتیجه گمراهی و عصیان الهی می‌انجامد و نیز وجوب دوری گزیدن از محرّمات که به نافرمانی در برابر خالق هستی می‌انجامد، به استناد آیات ۱۹ سوره حشر و ۴۶ سوره حج.

اما در این راستا، موافقین انجام پدیده یاد شده در عرصه‌های گوناگون پزشکی و غیر پزشکی (۹، ۱۸-۱۲)، برآنند که بنا بر دلایل زیر، زیست فناوری ژنتیک انسانی در چارچوب‌های عقلی و فقهی، نه تنها پیروی از فرمان شیطان و نافرمانی از خالق هستی و ارتکاب محرّمات نیست؛ بلکه لازمه زندگی اجتماعی بشر بوده و در مسیر تکاملی خلقت می‌تواند مفید فایده باشد:

۱. محدودیت نهی الهی در آیه ۱۱۹ سوره نساء به دگرگونی‌های مغایر با هدف خلقت (تغییر در فطرت توحیدی انسان‌ها) که متضمن بهره شیطانی و مستلزم پیروی از او باشد و انصراف آن از دگرگونی‌هایی که به خروج زندگی اجتماعی از عسر و حرج می‌انجامد. به استناد آیات ۳۷ سوره هود؛ ۲۷ سوره مؤنون؛ ۸۰ سوره انبیاء؛ ۴۴ سوره نمل و ۱۰، ۱۱ و ۱۳ سوره سبأ.

۲. اباحه بسیاری از دگرگونی‌ها بر اساس ادله عقلی و فقهی به

جهت اقامه نشدن دلیلی بر حرمت مطلق انجام دگرگونی‌ها. ازاین‌رو شناسایی گستره مهندسی ژنتیک انسانی، از دیدگاه فقه امامیه که بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت، پرچم‌دار ارائه برنامه جامع سعادت انسان در شئون مختلف فردی و اجتماعی می‌باشد، ضرورتی است که نویسندگان مقاله را واداشت تا در فرض پذیرش انجام این پدیده، مشخص نمایند که فقه امامیه گستره اباحه دانش مهندسی ژنتیک انسانی را که بر آینده حیات بشری تأثیر مستقیم دارد، تا چه اندازه می‌تواند بر پایه ضرورت زیست فناوری و در پرتو احکام تکلیفی و وضعی، مورد اجتهاد قرار دهد و پس از واکاوی و ارزیابی ابعاد این مسئله و تبیین موانع محدودکننده آن نسبت به شرایط جوامع بشری کنونی که خاستگاه این‌گونه عناوین ثانویه و موضوعات مستحدثه است، نتایج آن را به عنوان راهبردی اساسی و رهیافتی برای برون رفت از شرایط موجود شرور و ناهنجاری‌های اجتماعی و دستیابی به خیرات و کمالات ارائه نمایند. درخصوص پیشینه تحقیق اگرچه پیرامون پدیده زیست فناوری ژنتیک انسانی مقالاتی به نگارش درآمده است اما یا به جواز انجام مهندسی ژنتیک پرداخته شده یا بررسی حرمت و جواز شبیه‌سازی انسان به عنوان یکی از جنبه‌های پدیده زیست فناوری ژنتیک انسانی. ازاین‌رو بر اساس آن که شیوه این مقاله تبیین گستره اباحه مهندسی ژنتیک انسانی بر مبنای ادله عقلی و فقهی می‌باشد نسبت به پژوهشهای فقهی مشابه امتیاز دارد.

۲. مواد و روش‌ها

نوشتار حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و استفاده از سایت‌های معتبر اینترنتی نگارش یافته است. این پژوهش بر آن است تا با بررسی متون فقهی، گستره جواز زیست فناوری ژنتیک انسانی بر پایه منابع و مستندات فقهی واکاوی شده را روشن سازد.

۳. یافته‌ها

پیرامون پدیده زیست فناوری ژنتیک انسانی، دو رویکرد فقهی متفاوت مبنی بر حرمت و جواز وجود دارد. رویکرد نخست بیانگر آن است که این پدیده نوعی دخالت در خلقت الهی و رفتاری شیطانی است. اما رویکرد قائل به جواز بهره‌گیری از دانش زیست فناوری ژنتیک انسانی، انجام دگرگونی‌های برآمده از این پدیده را در عرصه‌های گوناگون پزشکی و غیر پزشکی، تغییر در خلقت تعبیر نمی‌کند؛ زیرا که از این دیدگاه، اجرای فرایندهای زیست فناوری‌های که انجام آن برای بشر میسر است، بیرون از مدار اراده تکوینی الهی عمل می‌کند و همچون ابزارهای نقش آفرین جریان خلقت‌اند که نه خارج از سنن الهیه هستند و نه ناقض توحید در خالقیت الهی. بنابراین دیدگاه جواز انجام این پدیده، عقلانی‌تر و سازگارتر با راز و فلسفه آفرینش انسان می‌باشد؛ چرا که اصلاح ساختار ژنتیکی انسان‌ها چه در قالب روشن کردن ژن‌های مطلوب و چه در قالب دستکاری و خاموش کردن فعالیت ژن‌های معیوب تا نبودی برخی ژن‌های غیراخلاقی و رفتارهای ضداجتماعی به منظور حل شرور جامعه انسانی و داشتن انسان‌هایی با ساختار ژنتیکی برخوردار از ژن‌های ارزشمند عقلی، اخلاقی و رفتاری، نوعی همیاری با خداوند است که لزوماً در گرو حفظ کرامت ذاتی انسان و رعایت ارزش ذاتی حیات انسان‌ها و ضرورت پاسبانی و نگهداری از این بخشش خداوندی است.

۴. مفهوم‌شناسی**۴-۱. مفهوم ژن**

ژن به طور خلاصه به یک ردیف از اجزای تشکیل‌دهنده مولکول DNA گفته می‌شود که کروموزوم‌ها را در هسته سلول تشکیل می‌دهند. مولکول DNA رمز اطلاعات ژنتیکی را با خود دارد و هر نوع تغییر در این رمز باعث تغییر در پیام ژنتیکی و در نتیجه تولید پروتئین جدید می‌شود. ژن در ساختن همه سلول‌ها و در نهایت در ساختن همه اعضای

مختلف بدن مانند مغز، قلب، ماهیچه و ... نقش دارد. به گونه‌ای که فعالیت ژن‌ها در بافت‌های گوناگون نشان‌گر قابلیت افزایش تعداد الگوی ژن‌ها در بدن هستند. در نتیجه برای یک ژن، امکان ایجاد چندین اثر در بدن می‌باشد. افزون بر این، مکانیسم‌های مختلف محیطی نیز می‌توانند بر ژن‌ها اثر گذاشته و نوع فعالیت آن‌ها را در بدن تغییر دهند (۱۹). در مورد ماهیت ژن و ساختمان آن، پیشرفت‌های دانش ژنتیک در سال ۲۰۰۴ به شناسایی توالی تمام ژنوم انسان انجامید. به گونه‌ای که امروزه می‌توان با ثبت توالی قرار گرفتن صدها باز موجود در یک ژن و میلیون‌ها باز تشکیل‌دهنده DNA توالی تمام ژنوم انسان را تعیین نمود (۲۰).

۴-۲. مفهوم ژنتیک

علم ژنتیک به عنوان رشته‌ای از علوم زیستی، پیرامون عوامل مادی به وجود آورنده صفات و ویژگی‌ها و چگونگی انتقال آن از نسلی به نسل بعد بحث می‌کند. به بیان دیگر این علم همچنان ماهیت مادی عوامل به وجود آورنده صفات ارثی و تأثیر عوامل محیطی را بر جانداران مورد بحث قرار داده و نحوه بروز ویژگی‌های فردی و نژادی آنان را بر ما روشن می‌سازد.

۴-۳. مفهوم مهندسی ژنتیک

اگرچه در ابتدا اصطلاح مهندسی ژنتیک به تکنیک‌های مختلفی اطلاق می‌شد که برای اصلاح و یا دست‌کاری موجودات زنده از طریق فرایندهای وراثت و تولید مثل مانند: لقاح مصنوعی، تعیین جنسیت جنین، تغییر جنسیت، شبیه‌سازی انسان و حیوان، جراحی‌های زیبایی، پیوند اعضا و ... به کار می‌رفت اما امروزه مهندسی ژنتیک، عبارت است از دست‌کاری مصنوعی، اصلاح و آمیختن دوباره DNA یا سایر مولکول‌های اسید نوکلئیک با هدف اصلاح ارگانیسم یا جمعیتی از موجودات. به بیان دیگر شاخه علمی مهندسی ژنتیک به عنوان رکن اساسی بیوتکنولوژی با به کارگیری تکنیک‌های مختلف از جمله DNA نوترکیب و شاخص‌های آن، تلاش می‌کند تا در راستای شناسایی و درک چگونگی

ژن‌ها، دستکاری آن‌ها و یافتن میزبان‌های مناسب برای تولید فرآورده‌های ژنی، نیازهای بشر را برطرف نماید (۲۱). بر این اساس مهندسی ژنتیک مجموعه روش‌هایی است که به منظور جداسازی، خالص‌سازی و واردکردن ژنی خاص در بدن یک میزبان جاندار به کار می‌رود تا به بروز یک صفت ویژه و یا تولید فرآورده مد نظر آن ژن، در بدن میزبان جاندار بیانجامد (۲۲).

کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و شأن انسان پیرامون کاربرد زیست‌شناسی و پزشکی مصوب ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ نیز، ویرایش ژنتیکی انسان را تعریف نموده است به فرایندی که در آن ژن‌های سرنوشت‌ساز هویت فرد که به آن‌ها ژن‌های هسته‌ای گفته می‌شود، از روی عمد دستخوش دگرگونی می‌شوند تا با انجام این فرایند بتوان زندگی یک فرد و نسل‌های آینده را از راه ژنی دگرگون ساخت (۲۳). با این وصف، باید گفت که مهندسی ژنتیک به دنبال یافتن راه‌کارهایی با هدف فعال یا غیرفعال و یا دگرگون سازی بخشی از توالی ژن‌ها برای دگرگونی عملکرد و بروز کارکردهای ویژه در جاندار است تا زمینه ایجاد یک ویژگی خاص از پیش تعیین‌شده را در او فراهم سازد.

۵. رویکرد اجتهادی شیعه نسبت به پدیده زیست فناوری ژنتیک انسانی

در دهه‌های اخیر، ویرایش ژن، بدان جهت که فرصت‌های تازه‌ای برای پزشکی شخصی و بیوتکنولوژی فراهم ساخته است، به شکل فزاینده‌ای نگاه اندیشمندان علوم مختلف از جمله فقه امامیه را به خود معطوف ساخته است؛ زیرا که بر اساس پژوهش‌های انجام یافته پیرامون ژنتیک رفتاری، روشن شده است که اختلال‌های شخصیتی و رفتارهای ضد اجتماعی ریشه در ژن‌های معیوب و نواقص زیستی دارد (۲۴).

در این زمینه پاره‌ای از پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند که منشأ ۴۰ تا ۵۰ درصد رفتارهای ضد اجتماعی ارثی و ژنتیکی هستند (۲۵). تأثیر عامل ژنتیک و اختلال‌های کروموزومی در ایجاد برخی رفتارهای ناهنجار از دیدگاه مکتب زیست - اجتماعی بسیار قوی‌تر از تأثیر عامل محیطی بیان شده است

(۲۶). بر این اساس باید پذیرفت که ژن‌ها، دارای کارکرد خوب و بد در رفتار افراد هستند؛ چرا که در آموزه‌های دینی نیز تأثیر انتقال ذخیره ژنتیکی بر شکل‌گیری شخصیت انسان مورد تأکید قرار گرفته به گونه‌ای که امام باقر (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «میان هر انسان تا حضرت آدم نود و نه عرق وجود دارد که در نسب و ساختمان فرزندان، همگی فعالیت می‌کنند. پس هنگامی که نطفه‌ای در رحم قرار می‌گیرد، عرق‌ها به جنبش درآمده و هریک از خداوند درخواست دارند که فرزند، شبیه او گردد (۱۲). در روایات پیامبر اکرم (ص) پیرامون انتخاب همسر نیز به عملکرد مخفیانه و پیچیده ژن‌ها که در نهایت، به انتقال صفات موروثی از پدر و مادر به فرزند می‌انجامد، با این مضمون تصریح شده که بنگر که فرزند خود را در چه نژاد و اصلی قرار می‌دهی؛ زیرا ژن‌ها پنهانی سرایت می‌کنند (۲۷ و ۲۸). همچنین کلام حضرت امیر (ع) در ذم فرزند خود (محمد بن حنفیه) که در جریان جنگ جمل ایشان را تشویق می‌کردند تا در میان تیراندازی دشمن به سوی آنها حمله‌ور شود و او به خاطر ترس، از انجام این کار دوری می‌گزید، فرمودند: «این عرق (ژن) از پدرت به تو نرسیده است»، بیانگر انتقال صفات از والدین به فرزندان و کارکرد نامطلوب ژن در رفتار افراد است (۲۹). کلام آن حضرت (ع) در ماجرای یادشده، این گونه نیز نقل شده است که ژنی از مادرت در نهاد توست، به این معنا که این ضعف و ترس از مادرت به تو رسیده است (۳۰).

با این همه فقها و اندیشمندان دینی نسبت به پدیده زیست فناوری ژنتیک انسانی، رویکرد یکسانی ندارد. از این‌رو، برخی از آن‌ها بر مبنای عبارت «فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» در آیه شریفه ۱۱۹ سوره نساء، به جز در موارد ترخیص (کوتاه کردن ناخن، ختنه و ...)، اعمال تغییرات در ساختار زیستی افراد از جمله تراشیدن ریش، قَنَازُع (تراشیدن موهای اطراف سر)، قُصَص (گذاشتن موی جلوی سر) و نگار با خضاب (حنا بستن) را به دلیل تغییر در خلقت انگاشتن چنین رفتارهایی، حرام برشمرده‌اند (۱-۶).

در این راستا برخی دیگر، مطلق دگرگونی و تغییر را اعم از تغییر در جسم یا صفت مخلوقات الهی؛ مانند: اخته کردن به ویژه بردگان، خالکوبی یا تغییر در دین اسلام و همچنین پیروی از فرمان شیطان برای ایجاد تغییر در خلقت الهی که به دوری از خداوند و در نتیجه گمراهی و عصیان الهی بر مبنای مفاد آیات ۱۹ سوره مبارکه حشر و ۴۶ سوره حج می‌انجامد، حرام برشمرده‌اند؛ زیرا که ایجاد تغییر در خلقت از سوی انسان، فرمانبرداری از شیطان و نافرمانی از خداوند و مقابله با ایشان است که از محرمات به شمار می‌رود و دوری گزیدن از آن ضروری است (۳ و ۱۱-۶ و ۳۵-۳۱).

اما از دیدگاه برخی دیگر از اندیشمندان فقهی حرمت یادشده در آیه شریفه ۱۱۹ سوره نساء، تنها ناظر بر تغییرات مغایر با هدف خلقت است؛ یعنی آن دسته تغییراتی که متضمن بهره شیطانی و مستلزم پیروی از او می‌باشد و در نتیجه مردم را از فطرت پاک الهی توحیدی، به وادی شرک می‌کشاند و گرنه چنانچه بنا باشد هرگونه دگرگونی از جمله ویرایش ژنتیک، امر شیطانی خوانده شود، در این صورت بسیاری از امور مانند: تراشیدن قله‌های سنگ کوه‌ها برای مصارف گوناگون از جمله تزئینات، ساخت هواپیما، ماهواره و فضاپیما، برای راحتی بشر و انجام خدمات بهتر و سفر به کرات دیگر و تسخیر آن‌ها، اعمال جراحی پلاستیک، کاشت مو، پیوند اعضا به ویژه پیوند اعضای حیوان به انسان در شرایط اضطرار، درمان ناباروری از راه ژنتیک، تولید جنین‌های آزمایشگاهی و هزاران پدیده دیگر حرام خواهد بود و این امر نه تنها زندگی انسان‌ها را با عسر و حرج روبه‌رو خواهد ساخت؛ بلکه با رویکرد شارع مبنی بر عدم وضع احکام حرجی نیز در تباین است. بر این اساس مقصود خداوند حکیم از حرمت تغییر در آیه شریفه، گونه خاصی از تغییر یعنی همان تغییر در فطرت توحیدی انسان‌هاست (۱۵-۱۳ و ۱۷).

در این زمینه برخی دیگر نیز بیان داشته‌اند که چون دلیلی بر حرمت تغییر مطلق اقامه نگردیده است، پس بسیاری از تغییرات حتی تراشیدن ریش هم از حرمت مطلق تغییرات

خارج می‌گردد (۹). برخی دیگر نیز بیان داشته‌اند که باید نهی موجود در آیه را ناظر به گستره جعل تکوینی الهی دانست؛ زیرا که چنین تغییراتی در ستیز با اراده الهی و بازداشتن آفریدگان ایشان از حرکت در مسیر تکاملی است (۱۲). بنابراین باید میان تغییرات قائل به تفکیک شد و مفاد آیه ۱۱۹ سوره نساء را با توجه به آیات ۳۷ سوره هود؛ ۲۷ سوره مؤمنون؛ ۸۰ سوره انبیاء؛ ۴۴ سوره نمل و ۱۰، ۱۱ و ۱۳ سوره سبأ که اجازه انجام دگرگونی در حوزه بهره‌وری و تسخیر مانند: کشتی‌سازی، شیشه‌سازی، زره‌بافی و ... را به پیامبران خود برای ایجاد رفاه اجتماعی و راحتی زندگی بشر داده است، تفسیر نمود و دگرگونی‌هایی از این دست را منصرف از حرمت تغییر در خلقت الهی دانست؛ زیرا که خود خداوند نعمت‌هایی چون مواد خام و معدنی را آفریده و با لطف خود هنر چگونگی استخراج آن‌ها را در ذهن بشر به وجود آورده است (۱۸). بر این اساس، باید پذیرفت که هرگونه تغییری که به حکم ضرورت دین، فقه و عقل سلیم در راستای حل مشکلات زیستی، شخصیتی و رفتاری (شرور و بزهکاری و رنج‌های انسانی) و نیز به فعلیت رساندن بسیاری از استعدادها علمی، اخلاقی، عقلانی و شخصیتی انسان لازم باشد، از جمله مهندسی ژنتیک انسانی پزشکی و غیر پزشکی، حرام نبوده و در تعارض با حکم الهی نمی‌باشد. با این همه همان‌طور که پیش‌تر بیان شد پذیرش دانش زیست فناوری ژنتیک از دیدگاه فقهی، به دلیل پیامدهای احتمالی ناشی از آن، مطلق نبوده و لازم است تا گستره این دانش بشری از رویکرد پویای فقه امامیه با تبیین مرزهای محدود کننده آن روشن گردد.

۶. موانع محدوده‌کننده گستره فناوری مهندسی ژنتیک انسانی

ایجاد دگرگونی‌های برآمده از ویرایش ژنتیک انسانی، چنانچه فراتر از گستره بهره‌وری و تسخیر پدیده‌های خلقت، به قلمرو عرضی خلقت و تنقیص در آن نزدیک شود، در آن صورت دگرگونی‌های یادشده بر مبنای حکم مذکور در آیه ۱۱۹ سوره

استفاده از روش یادشده، ژن‌های مشخصی را از یک ژنوم برمی‌دارند و آن را با یک DNA دلخواه، مانند دو قلو ی چینی که به ظاهر نخستین دستاورد این فناوری به شمار می‌آید، جایگزین می‌کنند (۳۹). اما از آنجا که لازمه انجام این‌گونه از ویرایش ژنتیک انسانی در بیماری‌های نسلی، استفاده از نطفه سالم فرد سوم و آمیختن آن با نطفه فرد بیمار برای دست یافتن به نوزاد سالم است. ازاین‌رو، انجام چنین فرایندی به دلیل تعارض با قاعده منع اجتماع ماء النسل دو مرد در رحم یک زن (۴۰)، شائبه اختلاط در انساب را که از نظر شرع انور در مواردی چون ازدواج با زانیه، ازدواج هم زمان دو مرد با یک زن و ... حرام و غیرجایز است (۴۱) تقویت می‌نماید.

در این زمینه، دیگر پدیده نوین در عرصه زیست فناوری ژنتیک، تولد نوزاد با سه والد با هدف جلوگیری از تولد نوزاد دچار «نشانگان لی» یا همان اختلال ناشی از نقصان در DNA موجود در میتوکندری برخی زنان می‌باشد. ازاین‌رو، دانش بشری تلاش داشته است تا با بهره‌گیری از فناوری ترمیم تخمک، مشکل یادشده را به دو شیوه برطرف سازد. در شیوه نخست، متخصصان ژنتیک، تخمکی از یک اهداکننده سالم گرفته و هسته آن را با هسته تخمک مادر (که حاوی مواد ژنتیک مادر اصلی است) جایگزین کرده و سپس تخمک جدید را با اسپرم پدر بارور می‌سازند. اما در شیوه دوم هسته تخمک بارور شده مادر اصلی را جایگزین هسته بارور شده تخمک اهدایی می‌کنند؛ یعنی پیش از آنکه تقسیم تخم حاصل، آغاز شود، هسته تخمک اهداکننده را بیرون آورده و سپس هسته تخمک مادر اصلی را به جای آن می‌گذارند.

بر این اساس، انجام این پدیده کلونینگ گونه، به لحاظ علمی با تردیدهایی چون ابهام در ایمن بودن چنین روش بارداری، ایجاد نوزادان طراحی شده با ویژگی‌های خاص و به سفارش والدین، رواج تولید مثل سرمایه سالارانه مبتنی بر بی‌مسئولیتی و بی‌اخلاقی و ... روبه‌رو گردیده است. افزون بر آن از رویکرد فقهی نیز با شائبه قوی به هم خوردن نسب و منافات با اطلاق اصل حفظ فرج از هر عمل حرامی، (آیات

نساء، به عنوان موانع محدود کننده این دانش بشری، حرام شمرده خواهند شد. ازاین‌رو در ادامه موانع محتمل چنین دگرگونی‌هایی مورد بررسی تحلیلی قرار خواهند گرفت.

۱-۶. منع از تغییر در خلقت

بر اساس مطالب پیش گفته، چنانچه ایجاد دگرگونی در ژنوم انسانی به شکل طولی و در طول آفرینش الهی در خلقت انجام پذیرد، چنین دگرگونی‌هایی به دلیل مغایر نبودن با حکم الهی، مبتنی بر ضرورت‌ها و نیازهای جامعه بشری بری ایجاد بستری مناسب در راه رسیدن انسان به کمال و رهایی از شرور انسانی، به شمار می‌آید. ازاین‌رو، ایجاد دگرگونی‌های هم عرض در آفرینش الهی خلقت انسان مانند: اقدام نازی‌ها در عقیم‌سازی اجباری افراد ناتوان یا اقدامات ایالات متحده آمریکا در عقیم‌سازی بزهکاران و افراد کودن در اوایل قرن بیستم (۳۶)، به دلیل مغایرت با اخلاق و منطق بشری، نه تنها به شدت از سوی برخی دانشمندان ژنتیک، چون پل کنوفلر، زیست‌شناس سلولی دانشگاه کالیفرنیا، دیوید کینگ، رئیس گروه ناظر هشدار ژنتیک انسانی لندن و گروهی دیگر از کارشناسان (۳۷) مورد مذمت قرار گرفته است بلکه از رویکرد اندیشمندان دینی نیز، دگرگونی‌های یادشده بر مبنای عبارت «فلیغیرن خلق الله» در آیه شریفه ۱۱۹ سوره نساء، غیر جایز و حرام شناخته شده‌اند (۳، ۷-۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۳۵-۳۱).

۲-۶. حفظ انساب

اهمیت حفظ انساب از دیدگاه شرع مقدس تا بدان جاست که به طور اکید اجازه به خطر انداختن آن از سوی کسی داده نشده زیرا که در روایات فراوان آمده است: «خداوند متعال زنا را حرام فرمود؛ چون مفاسدی مانند قتل نفس، از بین رفتن نسب‌ها، ترک تربیت کودکان، به هم خوردن مسئله ارث و میراث و مفاسدی از این قبیل در بر دارد» (۱۲، ۳۸ و ۳۹) امروزه در عرصه زیست فناوری ژنتیک پزشکی و غیر پزشکی، چنانچه در نسل فردی، بیماری ژنتیکی وجود داشته باشد، می‌توان با بهره‌گیری از تکنیک اصلاح ژنتیکی کریسپر - همانند ابزار برش و چسباندن - این بیماری را برطرف نمود. دانشمندان با

۲۴ سوره نور، ۵۷ سوره مؤمنون و ۳۵ سوره احزاب)، همراه می‌گردد. به گونه‌ای که نمی‌توان جوازی برای برداشتن ممنوعیت و حرمت آن به دست داد (۴۲ و ۴۳). چرا که اطلاق اصل حفظ فرج از هر عمل حرامی در آیات ۲۴ سوره نور، ۵۷ سوره مؤمنون و ۳۵ سوره احزاب، جزء شوئون حفظ فرج از غیر است، از این رو اطلاق حفظ فرج از غیر، مقتضی حرمت اذخال نطفه غیر شوهر به رحم زن می‌باشد.

۳-۶. ممنوعیت نابودسازی نسل

نابودسازی عمدی نسل به هر شکلی که باشد نه تنها مورد نهی آموزه‌های دینی مانند نهی شارع مقدس در قرآن کریم (بقره/۲۰۵) و نهی پیامبر اکرم (ص) از ریختن سم در سرزمین کفار است (۱۲، ۴۰ و ۴۴)؛ بلکه رفتاری خلاف عقل و انصاف و غیرقانونی است که در جامعه جهانی با واکنش‌های جدی روبه‌رو می‌گردد. از این رو انجام ویرایش ژنتیک با چنین هدفی، حتی با انگیزه ایجاد بستر برای سالم‌سازی و پاکسازی جوامع از وجود بزه‌کاران، به هیچ روی، مورد پذیرش شرع مقدس و عقل سلیم نیست؛ زیرا که پیدایش چنین گرایشی از مصادیق بیو تروریسم است که به تعبیر برخی امروزه بیوتروریسم ژنتیکی، یکی از معضلات شناخته شده جامعه جهانی به شمار می‌رود (۴۵). بر این اساس در قوانین داخلی کشورها و قوانین بین‌المللی از جمله مواد ۱ و ۲ کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی «ژنوساید» و ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت ایران به این کنوانسیون مصوب ۱۳۳۴/۸/۳۰، چنین اقدام ضد بشری، به عنوان رفتار زشت و خلاف شأن، مقام و منزلت انسانی، به شدت مورد نهی و جرم‌انگاری قرار گرفته است. با این وصف باز شدن راهی عقلی و شرعی برای مهندسی ژنتیک انسانی، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که بتوان از رهگذر آن و بدون بر جای گذاشتن عوارض اساسی در افراد، مشکلات ناهنجاری‌های آنانی که در برابر تکانه‌های درونی و بیرونی، توان در اختیار گرفتن رفتارهای خود را ندارند، برطرف نمود و با این اقدام افزون بر برقراری تأمین نظم و امنیت مطلوب در

جامعه، خدمات دیگری از راه اصلاح ژنتیک انسانی ارائه نمود. به عنوان مثال پدید آوردن انسان‌های قدرتمند به لحاظ توانایی‌های جسمی مانند قدرت بدنی بالا، حس بینایی و شنوایی قوی و یا به لحاظ توانایی‌های روانی مانند سطح عقلانیت و ضریب هوشی بالا، حس نوع دوستی و حس تعاون و همکاری اجتماعی قوی و بازدارنده‌های درونی که مانع از گرایش افراد به بدی و پلیدی‌ها می‌گردند. بنابراین محدود ساختن گستره مهندسی ژنتیک انسانی به دلیل معذوریت، اهلاک نفس که از منظر عقل، شرع و قانون نهی گردیده است، دست افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و دولت‌هایی را که قصد دارند از رهگذر وارد کردن ژن بیماری‌زا و مهلک به ساختمان ژنتیک اشخاص، نژاد و یا قومیت مخالف خود بپردازند، از بهانه‌های واهی، تهی می‌سازد.

۴-۶. قاعده اتلاف

از جمله موانعی که گستره مهندسی ژنتیک انسانی را در راستای پیشگیری و کاهش ناهنجاری‌ها محدود می‌سازد، قاعده اتلاف است؛ قاعده یادشده یکی از قواعد مسلم فقهی مورد پذیرش همه فقها می‌باشد که به موجب آن تلف کردن اموال مسلمان بدون اذن وی حرام و ضمان‌آور است (۴۶). در این زمینه برخی قلمرو این قاعده را تنها خاص اموال می‌دانند (۴۷). برخی دیگر بر این باورند که افزون بر زیان به اموال، منافع عمل انسان نیز - مانند: جلوگیری از کار کردن کسی که به واسطه آن معاش خود را از دست بدهد - مشمول این قاعده می‌گردد؛ (۴۷ و ۴۸). دست آخر دیگران بر این باورند که به طور کلی هرگونه ایراد نقص و عیبی به اموال و منافع نفس و اعضای مسلمین، تلف به شمار آمده و تلف‌کننده ضامن جبران خسارت وارده است (۱۶ و ۴۹). بر اساس پذیرش رویکرد اخیر که کاربرد قاعده اتلاف را بر پایه انصاف و عدالت اجتماعی استوار ساخته است، باید پذیرفت که فرایند ویرایش ژنوم انسان، نباید به گونه‌ای انجام پذیرد که به از بین رفتن جزئی یا کلی منافع و کارکردهای مادی و معنوی تعیین شده در

خلقت تکوینی الهی برای جسم، روان و اعضای بدن انسان بیانجامد و فعالیت‌های شغلی و روزمره او را مختل سازد. به بیان دیگر عمومیت این قاعده، مانع از آن است که به بهانه اطلاع رفتار اجتماعی و داشتن جامعه آرمانی بتوان با مهندسی ژنتیک انسانی، زمینه تلف منافع و کارکردهای خدادادی جسم و روان افراد را فراهم آورد. از این رو، ویرایش ژنتیک انسان تا جایی تجویز می‌گردد که به از بین رفتن کلی منافع و کارکردهای یادشده نیانجامد. در غیر این صورت، افزون بر واکنش‌های اخلاقی و حرمت شرعی، از نظر برخی فقها نیز ضمان مدنی و کیفری مرتکبین، به جهت ظلم روا داشته شده از سوی آنان (نسبت به فرد مهندسی شده ژنتیک) مسلم است (۴۱). بنابراین، هنگامی که تصرف مشروع در مال خود، در صورت ایراد ضرر به دیگری ضمان آور است، اضرار به دیگران با تصرفات از بین برنده کارکرد و منافع جسم و روان آنان، به عنوان رفتاری ناپسند و ظلم و گناه، به دلیل حکومت ادله ضمان ناشی از اتلاف بر ادله جواز تصرفات، به طریق اولی ضمان آور خواهد بود.

۵-۶. قاعده تنقیص

از دیگر موانع محدودکننده گستره دانش زیست فناوری ژنتیک انسانی، قاعده تنقیص به معنای کم کردن و کاستن است که در اصطلاح حقوقی به معنای از بین بردن صفت کمال یک مال می‌باشد (۵۰). مفهوم نقص و عیب اگرچه به لحاظ عرفی، مترادف هم به کار می‌روند، اما در مواردی مفهوم آن‌ها جدای از یکدیگر است. برای نمونه کولری که بدون پمپ آب فروخته شود کالایی ناقص به شمار می‌رود. اما چنانچه با پمپ نیم‌سوز یا سوخته به فروش برسد در این صورت کالایی معیوب به شمار می‌رود. از این رو فقها در صورت نخست فروشنده را ضامن برطرف کردن نقص و در حالت دوم برای مشتری حق فسخ یا گرفتن ارزش را در نظر گرفته‌اند (۴۰). بر این اساس با عنایت به مفهوم تنقیص، چنانچه کاربرست دانش زیست فناوری ژنتیک به ایجاد نقص در صفت کمال کارکرد جسم و روان انسان بیانجامد مانند آنکه در راستای ویرایش

ژنتیکی که به طور معمول با بهره‌گیری از یک ناقل ویروسی، معرفی ژن یا ژن‌های نو به داخل سلول‌های بدن، انجام می‌گیرد، ویروس حامل ژن، در درون بدن میزبان قابلیت بیماری‌زایی به دست آورده و سبب بروز عفونت و به تبع آن موجب نقص کارکرد ژنتیکی در جسم یا روان او گردد (۵۱). یا ژن انتقالی با قرار گرفتن در محل ژن کنترل‌کننده رشد غدد سرطانی، آن را غیر فعال نماید، دستاورد چنین تلاشی مغایر با اصل نیکی به دیگران، ناقص کردن کارکرد مبارزه با سرطان در ژنوم جسم فرد و در نتیجه ایجاد تومور در بدن او خواهد بود (۵۲). از این رو چنین اقدامات مغایر با خیررسانی به فرد و جامعه، خلاف اخلاق و عقل بلکه آموزه‌های دینی است که مانع از آن می‌شود تا با انگیزه اصلاح رفتار اجتماعی بتوان از راه مهندسی ژنتیک انسانی، زمینه ناقص‌سازی منافع و کارکردهای خدادادی جسم و روان افراد را فراهم ساخت. لذا گستره ویرایش ژنتیک می‌بایست تا پیش از رسیدن به مرزهای ناقص‌سازی در ژنوم افراد متوقف گردد؛ زیرا حرمت ایجاد تغییراتی که موجب تنقیص گردد، اباحه تصرفات گسترده را محدود می‌سازد. از این گذشته در کنار حرمت شرعی نیز قاعده وضعی ضمان قهری و مسئولیت مدنی، نیز رادعی فقهی و حقوقی است تا به دلیل پیش‌گفته، از راه ویرایش ژنتیک افراد پر خطر، موجبات تنقیص کارکرد و منافع ساختار ژنوم آنان، فراهم نگردد.

۶-۶. قاعده لاضرر

امروزه اگرچه پیشرفت‌های علمی زیست فناوری، دستاوردهای فراوان خود را به بشریت ارمغان داده است، اما با این همه نباید از تهدیدات آنکه متوجه حفظ کرامت انسانی است، غافل شد. بر این اساس لازم است پیشرفت گستره زیست فناوری به ایراد ضرر نسبت به سلامت جسم و روان فرد و جامعه نیانجامد؛ زیرا که اضرار به غیر، اعم از ضرر جسمی، روحی، مادی و ...، به دلیل ورود در حیطه سلطنت غیر، بنا بر حکم اولیه در اسلام مشروعیت نداشته و حرام است (۵۳-۵۵). البته باید دقت داشت که حرمت اضرار به غیر، مطلق نیست؛ بلکه

استثنائاتی بر این حرمت در موضوعات فقه اجتماعی یا حکومتی، بر اساس ادله خاص مانند تجویز نصوص وارده در خصوص تادیب بچه توسط اولیا و سرپرست‌های قانونی او یا اعمال مجازات‌های تعزیر و حدود بر بزه‌کاران و همچنین انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر یا تعطیل نمودن واحدهای عمومی، تولیدی، خدماتی و ... در شرایطی چون گسترش بیماری‌های واگیر، در مقام رفع تعارض و تراحم میان اهم و مهم، وارد می‌آید. لذا از آنجا که بخشی از رفتارهای انسان به دلیل پیوند عمیق میان روح و جسم او، تحت کنترل ژن‌هایش قرار دارد، تغییر در ساختار ژنتیک، به دگرگونی در خلقیات روحی روانی و رفتاری او خواهد انجامید (۵۷-۵۶). از این رو، چنانچه از رهگذر ویرایش ژنتیک با ضرری روبه‌رو گردد مانند آنکه در راستای ویرایش ژنتیکی فرد بزه‌کاری، با یک بار مهندسی ژنتیک نتیجه مطلوب حاصل نگردد؛ لازم می‌آید دوباره مهندسی انجام شود. چنین دستاوردی افزون بر ایراد ضرر جسمی و روانی به فرد و خانواده او (۵۱)، در صورت پذیرش تحمیل هزینه‌های مربوطه به دستگاه عدالت کیفری، مستلزم تحمیل هزینه‌های گزاف به جامعه نیز می‌باشد. پس چون ممکن است ویرایش نادرست ژنتیک، به القای رفتارهای ضد اجتماعی و ناهنجار در افراد مهندسی شده بیانجامد (۵۸)، اصل اول در مقوله مهندسی ژنتیک انسانی، ممنوعیت اضرار به غیر است. به گونه‌ای که این پدیده به ایجاد نوعی عسر و حرج یا ضرر نیانجامد. بر این اساس، حتی نمی‌توان با هدف داشتن جامعه بدون ناهنجاری‌های رفتاری و یا داشتن افرادی با نیرو و توانمندی‌های شگفت‌انگیز، مهندسی ژنتیک را که مستلزم تصرف در تمامیت جسمانی و معنوی افراد می‌باشد، بی‌قید و شرط به اجرا درآورد؛ بلکه ضرورت دارد، کمینه مواردی را که به تشخیص کارشناسان خبره، ایراد ضرر محرز و یا احتمال آن قوی است، از شمول استثنائات قاعده یاد شده (اعمال قاعده اهم و مهم یا تجویزات شرعی)، خارج ساخت و به هنگام رویارویی با استثنائات یاد شده تنها به قدر متیقن اکتفا نمود تا

راه اضرار به دیگران از رهگذر این دانش بشری، همچنان تحت عموم حاکمیت قاعده لاضرر، بسته بماند.

از این رو، برابر اجماع فقها مبنی بر حرمت هرگونه اضرار به غیر (۱۶، ۵۵-۵۴) و با استناد به قاعده نخستین لاضرر که در اصل چهارم قانونی اساسی و سایر قوانین و مقررات مصوب، بازتاب یافته است، می‌توان مهندسی‌های ژنتیک همراه با ضرر محرز یا ضرر با احتمال زیاد را مشمول ضمان و جبران خسارت نمود؛ چرا که بر مبنای مفاد قاعده یاد شده، نه تنها از این رهگذر، خدمتی خیرخواهانه برای از بین بردن ناهنجاری‌های اجتماعی انجام نمی‌یابد؛ بلکه نظم و امنیت اجتماعی نیز، با چالش‌های جدی‌تر روبه‌رو خواهد شد و زمینه پس‌گرایی بیشتر اجتماعی هم فراهم خواهد آمد.

۷-۶. منع از القای نفس در هلاکت

پیرامون شأن نزول آیه شریفه ۱۹۵ سوره بقره که می‌فرماید: «... خودتان را با دست خویش به هلاکت می‌فکنید...» دیدگاه‌های گوناگونی بیان شده است از جمله گفته‌اند که چون آیات پیشین پی در پی، مسلمانان را به دفاع از دین و مقابله با کفار فرا خوانده است، پس آیه یاد شده به طور قطع مکمل آیات یاد شده درباره جهاد است و دستور به انفاق در آغاز آیه هم ناظر به جهاد است؛ زیرا که سرپیچی از آن سبب تضعیف قدرت و شکست مسلمانان در برابر دشمنان می‌شود که خود سقوط به ورطه نابودی است (۶۰-۵۹).

با این همه به دلیل گستردگی مفهوم آیه یاد شده گونه‌های فردی و اجتماعی دیگری از ورطه نابودی مانند گذشتن از مسیرهای پر خطر بدون پیش‌بینی‌های لازم، ورود به جنگ و جهاد بدون برنامه‌ریزی و ... را می‌توان در گستره مفهوم این آیه دانست (۶۰). از این رو، اطلاق فرمان الهی یاد شده، مسلمانان را از هرگونه کم‌گذاری و زیاده‌روی در امور که به نابودی آن‌ها بیانجامد، باز داشته است. بر این اساس چنانچه مهندسی ژنتیک انسانی، دربردارنده خطری قطعی و یا خطری با احتمال فراوان باشد، چنین رفتاری از نمونه‌های مورد نهی

بنابراین هنگامی که حفظ نفس، حتی با ترک واجباتی چون گرفتن روزه در حال بیماری، واجب است، اضرار به نفس به هر شکلی حرام خواهد بود زیرا که رعایت قاعده لزوم حفظ نفس، متمرکز بر آن است تا شرایطی حاصل نشود که جان انسان به خطر افتد. بر این اساس، با عنایت به پذیرش مقید این دانش بشری که باید تنها به دنبال خدمت‌رسانی به جوامع انسانی باشد و نیز با عنایت به مقتضای ادله وجوب حفظ نفس، چنین برمی‌آید که ایجاد هر دگرگونی در ساختمان ژنتیک انسان‌ها با هر انگیزه و هدفی، چنانچه سلامت و تمامیت نفس آن‌ها را به خطر اندازد، به دلیل مغایرت با اهداف بشر دوستانه این پدیده نوین و قاعده وجوب حفظ نفس به لحاظ عقلی و شرعی، رفتاری غیرقانونی، ممنوع و حرام به شمار خواهد آمد.

۶-۹. عدم جواز تولید شرور و بدی

پیوند تنگاتنگ میان جسم و روح انسان، مانع از آن است که بتوان روح یا جسم شخص را به تنهایی آدم نامید، از این‌رو، ویرایش غیرمجاز ژنوم و مداخله ناروا در جوهره انسان، می‌تواند موجودیت او را به عنوان «آدمی» دگرگون سازد. در این زمینه جوسیا زنیر پژوهشگر سابق ناسا و زیست شیمی‌دان کالیفرنیا، به عنوان شخصیتی برجسته در جنبش رو به رشد هک زیستی (Biohacker) که DNA خود را اصلاح کرده است، در گفتگو با روزنامه گاردین مدعی شده است که چون ما برده ژنوم‌های خودمان هستیم، از این‌رو قصد کمک به انسان‌ها را داریم تا آن‌ها خودشان را از نظر ژنتیکی اصلاح کنند. از باور ایشان، بشریت با کمک گسترش مهندسی ژنتیک، نژاد نوینی از انسان ابرقدرت را ایجاد خواهد کرد. به گونه‌ای که به طور تقریبی در آینده و در اثر این اصلاحات، بشر به نژادهای نویی تبدیل خواهد شد. از این‌رو، وی که مدیرعامل شرکت مهندسی ژنتیکی آدین نیز می‌باشد، بی‌توجه به هشدارهای سازمان غذا و داروی آمریکا مبنی بر ممنوعیت فروش محصولات ژن‌درمانی بدون تصویب قانون، کیت‌های مهندسی ژنتیک پایه‌ای خود را به صورت آنلاین به فروش می‌رساند (۶۵). در این راستا نیز، ایجاد موجودات ترکیبی از

در فرمان الهی است و انجام آنچه با هدف داشتن جامعه ایمن از ناهنجاری‌های اجتماعی و چه با هدف دستیابی به انسان‌های استثنایی و با توانمندی‌های بالای عقلی، جسمی و ... به هیچ روی، نهی یادشده را از روی حکم برنخواهند داشت؛ بلکه انجام مهندسی ژنتیک انسانی حتی به شکل خود خواسته آن، چنان‌چه به خدشه‌دار شدن کرامت انسانی و تمامیت جسمانی و معنوی افراد منجر شود، همچنان در قلمرو نهی وارده در آیه شریفه است. البته گفتنی است به ورطه نابودی انداختن خود، افزون بر انجام فعل، با ترک فعل نیز تحقق می‌یابد؛ مانند موردی که شخص به تشخیص متخصصان بتواند جان خود را با انجام مهندسی ژنتیک از خطر مرگ برهاند، اما با وجود چنین امکانی از انجام آن دوری گزیند.

۸-۶. وجوب حفظ نفس

در بحث از حفظ نفس، هر انسان متعادلی، مطلوبیت نهایی و ضرورت ادامه حیات خود را بدون نیاز به تعلیم و تربیت درک می‌کند، از این‌رو هرگز یک انسان خردمند و برخوردار از روان متعادل، جان خود را، جز در راه مطلق کل که خداوند متعال است و حقیقتی که به آن مطلق کل وابسته باشد، به خطر نخواهد انداخت (۱۲ و ۶۱) با این وصف، حکم عقل بر لزوم حفظ نفس است زیرا از یک سو عقل به طور مستقل دفع ضرر از نفس را واجب می‌داند و از سوی دیگر به دلیل ملازمه میان حکم عقل و شرع، آسیب رساندن به جان را از مصادیق ظلم می‌داند و چون ظلم به لحاظ عقلی قبیح و ممنوع است، پس برابر قاعده ملازمه، ضرر رساندن به جان از نظر شرع قبیح و ممنوع است.

در این میان برخی اندیشمندان اسلامی بر این باورند که اجماع حاصل بر حفظ نفس، مقدم بر بسیاری از واجبات است (۶۲). افزون بر این، در آموزه‌های دینی قرآن (۲۹/ نساء) و سنت بر وجوب حفظ نفس تأکید فراوان شده و بر رفتارهای زیانبار - اعم از فعل و ترک فعل - که در عرف ضررش قابل اعتنا باشد، حکم تکلیفی حرمت، نهاده‌اند (۱۲، ۶۴-۶۳).

انسان و حیوانات مانند بز تولیدکننده شیر انسان یا بز تولیدکننده تار عنکبوت (بز عنکبوتی) که بدون هیچ نظارت و کنترلی در حال انجام و گسترش در کشورهایی چون ژاپن و ایتالیا است (۶۶)، می‌تواند تهدیدی برای بشریت به شمار آید زیرا که از نگاه شرعی، پدید آوردن چنین موجودات ترکیبی، به دلیل ناهمسو بودن آن با هدف خلقت، وجود نگرانی‌های فراوان و پیامدهای غیر قابل پیش‌بینی آن مانند آسیب رساندن به محیط زیست و شهروندان و از بین بردن آنچه طبیعت خلق کرده است و نیز پاسخگو نبودن اشخاص یا دولت‌ها نسبت به چنین اقداماتی، رفتاری حرام به شمار می‌آید. دلیل حرمت ایجاد چنین دگرگونی‌هایی، مغایرت آن‌ها با اخلاقیات و کرامت ذاتی انسان‌ها می‌باشد چرا که تغییرات یادشده دربردارنده همان دگرگونی‌های ویژه‌ای است که در گستره خلقت و فطرت توحیدی انسان‌ها انجام می‌گیرد و از سوی خداوند سبحان در آیه ۱۱۹ سوره بقره، نهی شده‌اند (۱۵، ۱۷).

بنابراین، می‌توان بر این باور بود که هرگونه ویرایش ژنتیک چه با از بین بردن و چه با افزودن ژن‌ها در ساختار ژنوم افراد با انگیزه ایجاد ابر انسان‌هایی که فاقد هرگونه احساسات و عواطف بشری مانند حس درد، ترحم، نوع دوستی، کمک به نیازمندان و ... و مبدل شدن به بد ابزارهای دست استعمارگران و استثمارکنندگان، جهت تأمین منافع آنان، بر مبنای تنازع بقا و قانون دوره‌های نخستین بشر (الحق لمن غلب)، موجب بر هم‌خوردن نظم طبیعی جهان هستی خواهد شد و متضمن بهره شیطانی و مستلزم پیروی از او می‌باشد که در نتیجه مردم را از فطرت پاک الهی توحیدی به وادی شرک می‌کشاند.

۱۰-۶. عدم جواز تولید انسان بدلی

پدیده همانندسازی به عنوان دانش نوین بشری و مسائل مستحدثه فقه اسلامی که تحت احکام ثانویه قرار می‌گیرد به دلیل سروکار داشتن با شئون انسانی، بسیار تنیده با اخلاقیات است. بر این اساس، اصل پدیده یادشده در

وضعیت‌هایی چون کمک به باروری زوجین نابارور، برخورد کردن والدین بیمار ژنتیکی از فرزند سالم به جای به دنیا آوردن فرزند بیمار یا ناقص الخلقه، همانندسازی افراد نابغه، خلاق و قابل ستایش که دارای ویژگی‌های پسندیده‌اند با انگیزه ساختن جامعه مطلوب و پیشرفت‌های مهم دانش و معرفت بشری اقداماتی بسیار ارزشمند و فاقد منع فقهی است (۶۷). برخی اندیشمندان دینی (علمای مسیحی و اهل سنت)، اگرچه بر این باورند که دین سنگی بر راه پژوهش و آزادی علمی نمی‌اندازد ولی ایجاد این پدیده بشری را ممنوع دانسته‌اند (۶۸-۶۷) به دلیل وجود برخی شبهات و پیامدهای احتمالی مانند مداخله در خلقت، بهره‌برداری جنسی از زنان بدلی، دشواری بسیار فراوان شناسایی بزهکار اصلی از میان همانند ساخته‌هایش برای ضابطین و مقامات قضایی و ... می‌باشد.

اما در واکنش به چنین رویکردهای کلی گفته‌اند که:

- بسیاری از پیامدهای یادشده، بر پایه این پندار نادرست استوار است که این پدیده با یک هسته و چندین تخمک انجام می‌یابد، حال آنکه به فرض برای تولید صد انسان همانند صد رحم یا محیط رحمی کاملاً یکسان، برای نه ماهه دوران بارداری لازم است یعنی تحقق امری در حد محال.

- چون همانندی‌های دوقلوهای یک تخمکی ۹۹٪ و بسیار بالاتر از انسان‌های همانندسازی شده است از این رو می‌توان مشکل ناشناخته ماندن بزه‌کاران همانند و نیز افزایش جرم را با همان روشی که برای دوقلوهای یک تخمی به کار می‌رود، برطرف ساخت. پس نباید صورت مسئله پاک شود؛ بلکه باید با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین از جمله دستگاه‌های اسکن فوری و انگشت‌نگاری ژنتیکی و روش‌هایی از این دست، به دنبال حل این مشکل بود. بر این اساس لازم می‌آید که جواز ابتدایی همانندسازی انسان را به دلایل زیر پذیرفت: اولاً؛ حکم جواز موافق با اصل است و حکم حرمت نیاز به دلیل دارد.

ثانیاً: استدلال مخالفان، بر پیامدهای احتمالی ناشی از این پدیده استوار است. پس چون پیامدها جای علل را گرفته‌اند، چنین استدلالی غیر منطقی است.

ثالثاً: زیان‌های خیالی مورد اشاره مخالفین همانندسازی انسان، برای وصف مفارق است که شامل این روش و دیگر روش‌ها نیز می‌گردد. در نهایت می‌توان انجام پدیده همانندسازی انسان را مکروه دانست که آن هم حکمی اخروی است و نادیده گرفتنش از سوی مکلف، گناه نیست. مگر آنکه لزوم حرمت به دلیل وصف باشد که در این صورت حکم مسئله فساد است. بنابراین آنچه که ما را از لغزش گاه‌های خطایی و عاطفی باز می‌دارد، رعایت قواعد شرعی است (۶۹). در این راستا، فقها و مراجع عظام معاصر امامیه، در فرضی که چنین پیامدهایی بر پدیده همانندسازی مترتب باشد آن را غیر جایز و حرام خوانده‌اند (۷۰).

با این حال عدم پابندی احتمالی برخی دانشمندان به اخلاقیات و نبود نظارت لازم بر چگونگی بهره‌برداری از این دستاورد علمی را نباید از نظر دور داشت. در غیر این صورت پیامدهای بد و ناگوار این دانش بشری؛ چون برده‌داری نوین، استعمار و استثمار صنعتی انسان‌ها برای کارکردهای مغایر با عفت و اخلاق همگانی، کرامت انسانی و همچنین هدف خلقت مانند پدید آوردن انسان‌های خشن و بدون عاطفه برای جنگیدن و نابود کردن، یا جنایتکارانی چون چنگیز، هیتلر، صدام و ... برای ارتکاب جرایم علیه بشریت، گریبانگیر ابناء بشر خواهد شد.

۷. نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که رویکرد فقهی اندیشمندانی که حکم به جواز انجام ویرایش ژنوم انسانی می‌دهند نسبت به دیگر رویکردهای ناظر به این دانش بشری، عقلانی‌تر است زیرا نه تنها تغییرات برآمده از بهره‌گیری دانش زیست‌فناوری ژنتیک انسانی را به تغییر در خلقت، تعبیر نمی‌شود بلکه اینها ابزارهای نقش‌آفرین جریان خلقت هستند

که نه خارج از سنن الهیه و نه ناقض توحید در خالقیت الهی می‌باشند ضمن آنکه با راز و فلسفه آفرینش و رضایتمندی خداوند از تکامل‌یابی انسان نیز، سازگارتر می‌باشند. هرچند عقلایی بودن رویکرد پذیرش اصلاح ساختار ژنتیکی، مانند بسیاری از قواعد، به هیچ روی مطلق نبوده بلکه گستره جواز این دانش بشری بسته به جلب منافع و دستاوردهای خوب و دفع آسیب‌ها و پیامدهای بد فردی و اجتماعی، بر اساس ادله عقلی و فقهی محصور می‌گردد.

References

- Mostafavi H. Tafsire roshan. Tehran: Markaz Nashre Kitab; 2001(1380). 6: 2. [In Persian]
- Tabasi, MR. Al-Monyah fi Hokme al-Shareb & al-Lahyah. Translater. Kazemi Qazvini M, n. p; n. pn; n. d: 31. [In Persian]
- Faiz Kashani.MM. Al-wafi. Isfahan: kitabkhaneh Imam Amir al-Momenin Ali; 1985 (1406). 26: 658. [In Arabic]
- Faiz Kashani. MM. Tafsir al-Safi. Tehran: Sadr Publications; 1995(1415). 1: 501. [In Arabic]
- Faiz Kashani MM. Al-Asfa fi Tafsir Al-Qur'an Al-karim. 1sted. Qom: Markaz Entsharat Datar Tablighat Islami; 1998 (1418). 1: 239-240. [in Arabic]
- Isfahani, M. Merat Al-Oghwl fi Sharhe Akhbar Aal al-Raswl. Tehran: Dar Al-Kitab Al-Islamiyah; 1983 (1404). 20:339 & 5: 214. [in Arabic]
- Al-Fazil al-Kazimi J. Maslek al-Afham Ila Ayat al-Ahkam. n. p: n. pn: n. d. 2: 402. [in Arabic]
- Razi FA. Tafsir al-Razi. 1sted. Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution;1981(1401). 11:49 [In Arabic]
- Khoei A. Mesbah al-Feghahah. Qom: Al-davri Library; 1986(1377).1:258 [In Arabic]
- Makarem Shirazi N. Kitab Alnikah. 1sted Qom: School of Imam Ali Ibn Abi Talib; 2004 (1424) 2: 132. [In Persian]
- Ayashi M. Tafsir al-Ayashi. Researcher. al-Rasooli al-Mahalati SH. Tehran: Maktabah Al-elmaih Al-islamiyah; n. d. 1: 276. [In Arabic]
- Horr al-Ameli M. wasail Alshiah. 2nded. Qom: Moasisah Ahl al-Bayt; 1994 (1414). 15: 62 & 16: 310 & 20: 311 & 21: 504. [In Arabic]
- Ahangaran MR, Noor Ahmadi E. Rule's figh about The Deprivation of Life from Laboratory Embryos. *Journal of Medical figh*. 11: (38) 81-95. (1396) 2017. [In Persian]
- Moradi Y, Kikha MR, Khakpour H. The Study of the Transplantation of The Organs of The Impure and Dead Animals into Humans from The Perspective of Imami's figh. *Journal of Medical figh*. 8: (28 & 29) 161-187. (1395) 2016. [In Persian]
- Jawaheri H. Bohoth fi Figh al-Moasir. Beirut: Dar Al-zakhair; n. d. 2: 341. [In Arabic]
- Al-Jab'i al-Ameli Z. al-Rozah al-Bahiyah, Researcher. Kalantar SM. 2nded. Najaf: Manshoorat Jameah al-Najaf al-Diniyah; n.d. 10: 108 & 154. [In Arabic]
- <https://fa.mfeb.ir/feqh2shahi-46/>. [In Persian]
- Javadi Amoli A. Islam and The Environment. Qom: Nashre Esra; 2007 (1386): 52. [In Persian]
- Motavlizadeh Ardakani A. The Genetics of Behavior and Culture *Journal of Medical Ethics*. 3: (7) 65-83. (1388) 2009. [In Persian]
- Gohari M, Basiri HR , Akrami SM. Recognition of Human Identity from The Perspective of The Holy Quran, Narrations of the Infallibles & Genetic Knowledge *Journal of Medical figh*. 8: (26-7) 177. (1395) 2016. [In Persian]
- Allison L. Fundamental molecular biology. 1sted. Hoboken: wiley Blackwell. 2007:30-35.
- Urnov FD, Miller JC, Lee Y-L, Beausejour CM, Rock JM, Augustus S, et al. Highly Efficient Endogenous Humangene Correction Using Designed Zinc-finger Nucleases *Nature*. 435: (7042) 646-651. 2005.
- Coors ME, Glover JJ, Juengst ET, Sikela JM. The ethics of using transgenic non-human prima-tes to study what makes us human. *Nature Reviews Genetics*. 11: (9) 658-666. 2010.
- Hallgin R, Cross Whitburn, S,. Psychopathol-ogy: Clinical Perspectives on DSM-5 Mental Disorders. Translater Seyed Mohammadi. Y. Tehran: Ravan; 2004 (1383): 51. [In Persian]
- Hammer D, Copeland, P. The Role of Genes in Personality Formation. Translater Motavaliz-adeh Ardakani, A. Tehran: Chehr; 2003 (1382): 149 & 152. [In Persian]
- Bastani A. The Effect of Biological Factors on Criminal Behavior With Emphasis on Genetic Factors.Tehran: University of Tehran. 2008 (1387): 3. [In Persian]
- Mottaqi al-Hindi A. Kanz al-Uomal. 5thed, Beirut: Moassah al-Risalah. 1984 (1405) 15: 855. [In Arabic]
- Ghozaei M. Persian Commentary on Shahab al-Akhbar. 1sted. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Center. 1982(1361): 309. [In Persian]
- Madani Hosseini Z.Waghah Al-Jamal. 1sted, Qom: Muhammad Publishing.1999 (1420): 141. [In Arabic]
- Ibn Abi al-Hadid. Explanation of Nahj al-Balaghah, 1sted, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. 1983 (1404) 1: 243. [In Arabic]
- Maraghi A.Tafsir al-Maraghi. Beirut: Dar al-Ehya al-Torath al-Arabiah n. d. 5: 161. [In Arabic]

32. Siouti J. al-Doraor al-manthor fi Tasir al-Mathor. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. 1984 (1404). 5: 155. [In Arabic]
33. Jasas A. Ahkam al-Quran Beirut: Dar al-Ehya al-Torath al-Arabiah; 985 (1405). 3: 268. 268. [In Arabic]
34. Snad Sh M. figh Altib and Al-Tazkhom al-Nag-hdi. 1ste. Beirut: Moasisah Umm al-Ghura; 2002 (1423). 1: 128 & 129. [In Arabic]
35. Bahrani A Os y. al-Hadaigh al-Nazirah fi Ahkam al-Etrath Altahirah. 1sted. Qom: Daftar Intesharat Islami; 1985 (1405). 5: 560. [In Arabic]
36. Zand A, The Ethical Criticism of Eugenics. *Journal of MedEthics*. 35: (10) 7-10. (1394) 2016. [In Persian]
37. <https://www.khabaronline.ir/news/>. [In Persian]
38. Qommi M. Ilal al-Sharia. 1sted. Qom: Davari Bookstore; 2007 (1386). 2: 479. [In Arabic]
39. <https://www.zoomitir/health-medical/3100> 77. [In Persian]
40. Helli M. Izah al-Fawid fi Sharh Moshkilat al-Ghawaid. 1sted. Qom: moasisah Ismaili; 1968 (1387). 1: 357 & 2: 185 & 3: 361. [In Arabic]
41. Karaki A. Jame al-Maghsid fi Sharh al-Ghawid. 2nded. Qom: Mosisah Aal al-Bayt; 1994 (1414). 13: 430 & 9: 271. [In Arabic]
42. <https://www.mehrnews.com/news/2131587>. [In Persian]
43. Qazvini SA, Legal Effects of Artificial Insemination. *Journal of Letter's Mofid*. 1: (3) 170. (1375) 1995. [In Persian]
44. Helli IE. Kitab Al-srair. 2nded. Qom: Moasisah al-Nashr al-Islami; 1990 (1410). 2: 7. [In Arabic]
45. Kiani M, Bazmi S, Sheikh Azadi A. A Gene Therapy, Ethical Considerations, Challenges and Solutions *Journal of Med Ethics*. 4: (11) 40-52. (1389) 2010. [In Persian]
46. Mostafawi SMK. Mieah Ghaidah al-Fighhiah. 4thed. Qom: Daftar Enteshart Islami; 2001(1421). 1: 20. [In Arabic]
47. Mousavi Khoei SA. al-Mostanad fi Sharh al-OrwahA al-Wothghaa. editor al-Boroujerdi M, Qom: Mosisah Iehya Athar al-Imam al-Khoei; 2001 (1422). 30: 172. [In Arabic]
48. Rahmani M, Ghaideh Itlaf *Journal of Figh Ahl al-Bayt (PBUH)*. 3: (11-12) 240-281. (1376) 1999. [In Persian]
49. Hosini al-Maraghi SMAA. al-Anavin al-Fighhia -h. 1sted, Qom: Daftar Intesharat Islami. n. d. 2: 433. [In Arabic]
50. Jafari Langroudi MJ. Extended in Legal Terminology. 10thed. Tehran: Kitabkhaneh Ganj Danesh; 2002 (1381): 720. [In Persian]
51. Newman SA, Physico-Genetic Determinants in The Evolution of Development *Science*. 338: (6104) 217-219. 2012.
52. Pelayo FG, The Post-Humanist Embryo: Genetic Manipulation, Assisted Reproductive Technologies and The Principle of Procreative Beneficence. *Cuad Bioet*. 25: (85) 427-44. 2014
53. Yazdi SM, Ghaweid Figh. 10thed. Tehran: Markaz Nashr Olum Islami; 1986 (1406). 1: 141. [In Persian]
54. <http://www.eshragh-erfan.com/index.php/fa/arafi/skill-4/feghh-tarbiyati/sall/95-96> Session 24. [In Persian]
55. Mousavi Bojnourdi H. al-Ghaweid al-Fighhiyah Qom: Nashr al-Hadi; 1998 (1419) 1: 213. [In Arabic]
56. Harris J, Taking The "Human" Out of Human Rights *Journal Camb Q Healthc Ethics*. 20: (1) 9-20. 2011.
57. Harris J, The concept of The Person and The Value of Life. Personhood and Health Care: Springer *Journal Kennedy Inst Ethics*. 9: (4) 99-111. 1999.
58. Teymuri M, Agha MirSalim M, Comparative Study of Civil and Criminal Responsibility of Genetic Manipulation of The Iranian Legal System and International Documents *Journal of Medical Law*. 4: (13) 88-119. 2010. [In Persian]
59. Tabarsi FIH, Majma 'al-Bayyan fi Tafsir al-Quran. 3rded. Tehran: Enteshrat Nasser Khosrow; 1993 (1372). 2: 516. [In Arabic]
60. Makarem Shirazi N. Tafsir Nomoneh. 1sted. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiah; 1995 (1374). 2: 35-36. [In Persian]
61. Jafari MT. Research in The Two Systems of Universal Human Rights from The Perspective of Islam and The West and Their Matching to Each Other. Tehran: International Legal Services Office of The Islamic Republic of Iran. 1991 (1370): 24. [In Persian]
62. Naraqi A. Mostanad al-Shieh. Qom: Moasisah Aal al-Beyt (PBUT). Liha al-Torath; 1994 (1415). 1: 37. [In Arabic]
63. Khomeini Bani Hashim MH. Tozieh al-Masail Maraje. 5thed. Qom: Islamic Publications. 2013 (1392). 1: 394 & 2: 531. [In Persian]

64. Ehsan Bakhsh S. Athar al-Sadighin. Qom: Dar al-Elam; 1987 (1366). 9: 204. [In Persian]
65. <https://www.isna.ir/news/96101105663>. [In Persian]
66. <https://www.khabaronline.ir/news/338168>. [In Persian]
67. Pourqahramani-Goltepeh B. Looking at The Phenomenon of Human Simulation. *journal Ravagh Andisheh of Radio and Television of The Islamic Republic of Iran*. 4: (37) 100-116. (1383) 2004. [In Persian]
68. A Group of Writers. Artificial Children. *Journal of Association of the Islamic figh*. 3:(4)1041. (1407) 1986. [In Arabic]
69. Eslami SH. Human Simulation from The Perspective of Catholicism and Islam. 1sted. Qom :University of Religions and Denomination. 2007 (1386):317-320. [In Persian]
70. [https://makarem.ir/main.aspx?more=1 & catid = 0 & typeinfo = 2 & lid = 0 & pageindex = 97](https://makarem.ir/main.aspx?more=1&catid=0&typeinfo=2&lid=0&pageindex=97). [In Persian]



MfJ

Medical Fighh Journal

2021; 13(43): e6

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/en-mf>



RESEARCH Article

Analysis of the scope of human genetic engineering (medical and non-medical) from the perspective of Imami jurisprudence

Mashallah karimi^{1*}, Abd alsamad Aliabadi²

1. Faculty member of Ayatollah Boroujerdi University, Broujerd, Iran.

2. Faculty member of department of jurisprudence and law, University of Islamic Denominations, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 22 June 2021

Accepted: 25 September 2021

Published online: 15 January 2021

Keywords:

Human

Genetics

Human Genetics

Imamiah

ABSTRACT

Background and Aims: The phenomenon of human genetic biotechnology, which is done with the aim of repelling human evil, building a desirable society, and achieving important advances in human knowledge, is not prohibited in the basic jurisprudential propositions. But due to the tension of this human knowledge with human ethics and manners, its scope is not very clear and no integrated research has been conducted. Therefore, the question of the scope of the license to use this human knowledge needs to be explored until obtaining a proper answer. The present study aims to identify and study the permissible scope of human genome engineering.

Materials and methods: The present article has been written in a descriptive-analytical method using library data, both real and virtual. In this way, first the views on the acceptance and non-acceptance of genetic engineering, as one of the emerging issues and secondary topics of dynamic Islamic jurisprudence are Planned and then analytically the possibility of accepting the view of doing it in the light of jurisprudential and rational arguments is reviewed and the scope of acceptance's license of this knowledge is assessed based on the mentioned arguments.

Conclusion: Jurists and religious thinkers do not have the same approach to the phenomenon of human genetic biotechnology. But from the analysis of their documents in the framework of jurisprudential and rational arguments, it seems that the reasons for the followers of this human knowledge are more solid. Provided that in addition to not approaching the jurisprudential and rational boundaries of loss, damage, reduction, etc., it occurs only in the sphere of productivity and conquest of the phenomena of existence and it is a role-playing tool for the creation to create the social welfare and comfort of human life and the liberation of divine creatures from the bottlenecks in the evolutionary path.

* Corresponding Author: M Karimi

Address: Boroujerdi University, Broujerd Iran.

Email: karimi_b2003@yahoo.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Cite this article as:

karimi M, aliabadi A. Analysis of the scope of human genetic engineering (medical and non-medical) from the perspective of Imami jurisprudence. *Med Fighh J* 2021; 13(43): e6.